بررسی تأثیر القای هیجانی بر سرعت قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیر شخصی

مریم ضیایی[۱]، محمد کریم خداپناهی[۲]، محمود حیدری[۳]، فاطمه کشوری[۴]

چکیده

زمینه و هدف: مطالعات در حیطه روان‌شناسی اخلاق به دنبال یافتن سیستم‌های شناختی و هیجانی تعیین کننده در قضاوت اخلاقی هستند. هدف این پژوهش نیز تعیین تأثیر القای هیجانی بر زمان پاسخ به داستان‌های اخلاقی بود.

مواد و روش‌ها: مطالعه انجام شده از نوع علی- مقایسه‌ای بود و بر روی ۸۵ نفر دانشجوی ۲۵-۱۸ ساله مقطع کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی، که به روش تصادفی ساده انتخاب شده بودند، انجام شد. به منظور سنجش قضاوت اخلاقی از ۲ داستان شخصی و غیر شخصی و به منظور القای هیجانی از سه دسته تصاویر با بار هیجانی مثبت، منفی و خنثی استفاده شد. این پژوهش در ۵ مرحله، ۳ مرحله جهت سنجش قضاوت اخلاقی و ۲ مرحله جهت القای هیجانی، انجام گرفت. سپس یافته‌ها با آزمون واریانس با اندازه‌گیری مکرر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: داده‌های به دست آمده نشان داد که تفاوت زمان واکنش به داستان‌های شخصی در مرحله اول و سوم ($P < ۰/۰۱$) و همچنین مرحله اول و پنجم ($P < ۰/۰۲۶$) معنی‌دار بود، اما این تفاوت در مورد داستان‌های غیر شخصی معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین یافته‌ها بیانگر افزایش میانگین زمان واکنش به داستان‌های قضاوت اخلاقی پس از القای هیجانی منفی است.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که تأثیر عوامل محیطی بر تصمیم گیری‌ها به خصوص تصمیم گیری‌های اخلاقی به نوع هیجان‌های القاء شده و جنس تصمیم گیری‌های هیجانی و شناختی بستگی دارد.

واژه‌های کلیدی: داستان‌های اخلاقی شخصی و غیر شخصی، قضاوت اخلاقی، القای هیجانی، پاسخ‌های سودگرایانه، دانشجو.

نوع مقاله: تحقیقی

دریافت مقاله: ۸۷/۱۲/۲۷ پذیرش مقاله: ۸۸/۴/۲۰

مقدمه

روان‌شناسی اخلاق، مطالعه چگونگی قضاوت‌های ذهنی وابسته به اخلاق است. روان‌شناسان به چگونگی قضاوت اخلاقی از طریق مشاهده‌های منظم و تجارب کنترل شده پرداخته‌اند. دانشمندانی مانند Piaget و Kohlberg سردمدار این سیر مطالعاتی بودند. در طول انقلاب شناختی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، روان‌شناسی اخلاق به وسیله نظریه‌های تحولی، که بر نقش استدلال و شناخت سطح بالاتر در قضاوت اخلاقی تأکید داشتند، هدایت می‌شد. Kohlberg معتقد بود که رشد اخلاقی فقط به وسیله رشد مغز اتفاق

۱ – کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) E-mail: maryamziae@gmail.com
۲ – دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳ – مربی گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۴ – کارشناسی روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

www.mui.ac.ir
[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.2.7]

نمی‌افتد، بلکه تجارب نقش پذیری (Role taking) یا نگاه به مشکلات از دیدگاه‌های متفاوت مهم هستند (۱). به اعتقاد وی نقش پذیری موجب رشد استدلال اخلاقی می‌شود و استدلال اخلاقی، قضاوت اخلاقی را شکل می‌دهد. اما با رشد انقلاب شناختی در دهه‌های ۱۹۸۰، محققان بسیاری به عواطف به عنوان یک فرایند مکمل نگاه کردند (۲). گرایش‌های جدیدتر بر نقش فرایندهای هیجانی و شهودی در تصمیم گیری انسان و اجتماعی شدن افراد تأکید داشت. Haidt معتقد بود که قضاوت اخلاقی در ابتدا به وسیله پاسخ‌های سریع و اتوماتیک مبتنی بر عاطفه و شهود برانگیخته می‌شود و سپس استدلال اخلاقی به دنبال آن می‌آید که توجیهی برای پاسخ به تقاضاهای اجتماعی را فراهم می‌آورد (۴، ۳).

پیشرفت‌هایی در زمینه عصب شناسی نشان داده‌اند که نواحی مختلفی از مغز به ویژه بخش‌های مختلف کرتکس پیش پیشانی، آمیگدال و نواحی گیجگاهی در قضاوت اخلاقی و هیجان اخلاقی فعال می‌شوند (۹-۵). همچنین مطالعات نشان داده است که بعضی قضاوت‌های اخلاقی، بیشتر هیجان و بعضی دیگر بیشتر شناخت را درگیر می‌کنند. این سیر مطالعاتی توسط Greene و همکاران مطرح شد (۹). این محققان معماهایی را مطرح کردند. داستان‌های اخلاقی ترکیبی از دو دیدگاه شناختی و هیجانی در حیطه روان‌شناسی است. Greene و همکاران (۱۰، ۱) معتقدند که بعضی قضاوت‌های اخلاقی شخصی (Personal) به وسیله پاسخ‌های اجتماعی و هیجانی برانگیخته می‌شوند؛ در حالی که قضاوت‌های اخلاقی غیر شخصی (Impersonal) بیشتر به وسیله فرایندهای شناختی هدایت می‌شوند (شناخت در این جا به معنای فرایندهای مقابل فرایندهای هیجانی است). داستان‌هایی که Greene و همکاران (۱۰، ۱) مطرح کرده‌اند بر این اساس است که فرد خشونتی را برای به دست آوردن سود بیشتر مرتکب می‌شود که این پاسخ‌ها را پاسخ‌های سودگرایانه می‌نامند (۱۰، ۲، ۱). یافته‌های این محققان نشان داد که نواحی مرتبط با هیجان و شناخت اجتماعی (کرتکس پیش پیشانی میانی (Medial prefrontal cortex)، سینگولیت خلفی و شکنج گیجگاهی بالایی (STS: Superior Temporal Sulcus) اتصال گیجگاهی- آهیانه‌ای) هنگام داستان‌های اخلاقی شخصی، فعالیت بیشتری را نشان می‌دهند؛ در حالی که نواحی شناختی مغز، که با استدلال انتزاعی و حل مسأله مرتبط هستند، هنگام قضاوت در مورد داستان‌های اخلاقی غیر شخصی، افزایش فعالیت بیشتری را نشان می‌دهند (۱۰، ۲، ۱).

همچنین یافته‌ها نشان داده است که به طور متوسط، زمان واکنش برای موقعیت‌هایی که در آن افراد به انجام خشونت اخلاقی پاسخ مناسب می‌دهند در مقایسه با موقعیت‌هایی که افراد خشونت اخلاقی را نامناسب قلمداد می‌کنند، طولانی‌تر است که البته چنین اثر قابل مقایسه‌ای برای قضاوت اخلاقی غیر شخصی مشاهده نشده است (۱). این محققان معتقدند که خشونت‌های اخلاقی شخصی، پاسخ‌های اجتماعی- هیجانی منفی و قویتری را بر می‌انگیزند که افراد را به این سمت سوق می‌دهند که چنین عملی را نامناسب بدانند. درنتیجه، فرد باید به پاسخ هیجانی خود غلبه کند تا در مورد مناسب بودن انجام خشونت اخلاقی قضاوت نماید. Greene معتقد بود که وقتی افراد به شیوه سودگرایانه (یا پذیرش خشونت برای نجات جان افراد بیشتر) پاسخ می‌دهند، چنین پاسخ‌هایی فقط درگیری استدلال انتزاعی را منعکس نمی‌کند، بلکه مداخله کنترل شناختی برای غلبه بر پاسخ‌های اجتماعی- هیجانی برانگیخته شده را نیز نشان می‌دهد (۱۰، ۲).

با در نظر گرفتن یافته‌های فوق بر اساس فرایند دوگانه (Dual process) قضاوت اخلاقی، می‌توان پیشنهاد کرد که مبنای تصمیم گیری‌ها حساسیت زمینه‌ای نسبت به عاطفه است. حالات عاطفی به عنوان پیام‌های اطلاعاتی زودگذر هستند که می‌توانند تعیین کننده باشند. هم اکنون سیر مطالعاتی در زمینه تأثیر هیجان بر تصمیم گیری‌ها، بیانگر این نکته است که به طور کلی هیجان‌ها بر قضاوت اخلاقی تأثیرگذارند، هر چند که مطالعات نتایج متفاوتی را ارایه

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.2.7]
www.mui.ac.ir

داده‌اند. اما همگی به این امر اشاره دارند که هیجان‌ها برای قضاوت‌ها لازم هستند، اما این تأثیر به نوع هیجان القاء شده نیز مربوط می‌باشد (۱۱). به عنوان نمونه، در پژوهشی محققان نشان دادند که عواطف مثبت محیطی در زمان قضاوت ممکن است پیام منفی ادراک شده در خشونت اخلاقی را کاهش دهد و در نتیجه موجب افزایش پاسخ‌های سودگرایانه در داستان‌های شخصی شود، اما تأثیری بر داستان‌های اخلاقی غیر شخصی نداشته باشد. همچنین زمان تصمیم گیری طولانی‌تر، انتخاب پاسخ مناسب به داستان اخلاقی شخصی را افزایش می‌دهد (۱۲). این یافته‌ها نشان داد که تأثیر علّی هیجان در هدایت قضاوت اخلاقی فقط در پاسخ‌های برانگیخته شده توسط داستان‌ها قرار ندارد، بلکه ویژگی‌های عاطفی محیط نیز تأثیرگذار است. این که عواطف موجب بهینه سازی یا سوگیری در تصمیم‌ها شود، بر رابطه بین نشانه‌های عاطفی بیرونی و داستان مبتنی است. اما آن چه واضح است این است که القای هیجانی (Emotion induction) می‌تواند قضاوت‌های اخلاقی را شکل دهد (۱۲).

بنابراین با توجه به این که هیجان با زندگی افراد درآمیخته است و با توجه به این که تأثیرگذاری هیجان‌ها بر نحوه تصمیم‌گیری و بسیاری از فرایندهای روان‌شناختی مسلم است، کمبود مطالعات در زمینه روان‌شناسی تجربی مبنی بر بررسی تأثیر عوامل هیجانی و محیطی بر فرایندهای تصمیم گیری در کشور به طور روز افزونی احساس می‌شود. در این پژوهش هدف بر آن بود که تأثیر القای هیجانی مثبت، منفی و خنثی بر مدت زمان تصمیم گیری در قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیر شخصی مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین تفاوت زمان واکنش به داستان‌های شخصی و غیر شخصی در دو گروه با دریافت القای هیجانی منفی و مثبت از اهداف این پژوهش بود. به عبارت دیگر، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال بود که آیا زمان پاسخ به داستان‌های اخلاقی پس از دریافت القای هیجانی در مقایسه با مرحله بدون القاء تفاوت داشت؟

مواد و روش‌ها

این پژوهش از دسته مطالعات پس رویدادی (علی-مقایسه‌ای) بوده، ۸۰ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی (۱۸ تا ۲۵ سال) دانشگاه شهید بهشتی در آن شرکت داشتند. نمونه‌ها به صورت در دسترس (داوطلبانه) از بین دانشکده‌های مختلف به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. نمونه این پژوهش را ۴۱ زن و ۳۹ مرد تشکیل می‌دادند. افراد مورد مطالعه به صورت تصادفی به دو گروه تقسیم شدند که به طور تصادفی هر گروه در معرض یک کاربندی آزمایشی یا به عبارتی دریافت تصاویر هیجانی (مثبت یا منفی) قرار گرفتند.

در این پژوهش از معماهای اخلاقی Greene و همکاران استفاده شد که به دو دسته شخصی و غیر شخصی تقسیم‌بندی می‌شوند (۱). معمایی شخصی است که سه ملاک ۱. موجب آسیب بدنی جدی ۲. به فرد خاص ۳. به شیوه‌ای که ناشی از انحراف تهدید کنونی به سمت گروه دیگر نباشد را داشته باشد و معمایی که این ملاک‌ها را نداشته باشد، غیر شخصی تلقی می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان تصور کرد که معمایی شخصی است که بتوان آن را در این جمله خلاصه کرد "من به تو آسیب رساندم (Me Hurt You)". شرایط "آسیب رساندن" متضمن آسیب وارد شده است، "من" عامل و کننده کار را بیان می‌کند و "تو" نیز نشان می‌دهد که قربانی باید آشکارا حضور داشته باشد (۲).

استفاده مکرر این داستان‌های اخلاقی توسط فلاسفه، روان‌شناسان و متخصصان عصب شناختی در حیطه مطالعات اخلاق بیانگر مناسب بودن این داستان‌ها در سنجش قضاوت اخلاقی است (۱۵، ۱۳، ۱۰، ۲، ۱). همچنین روایی بوم شناسی و صوری این داستان‌ها توسط متخصصین مورد بررسی قرار گرفت و در این پژوهش مورد استفاده واقع شد.

همچنین داستان‌های شخصی و غیر شخصی در یک مطالعه مقدماتی بر روی ۶۰ آزمودنی اجرا شد و بر اساس زمان واکنش و همچنین پاسخ آزمودنی‌ها، انتخاب داستان‌ها صورت گرفت.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.2.7]

www.mui.ac.ir

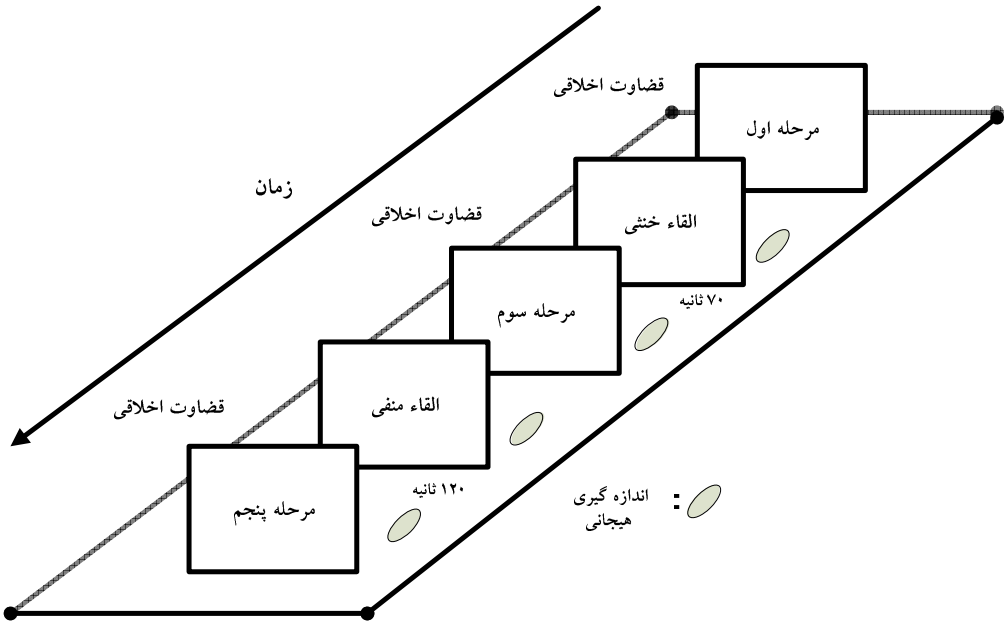
این برنامه از ۵ مرحله تشکیل شده بود. مراحل اول، سوم و پنجم مراحل سنجش قضاوت اخلاقی و مراحل دوم و چهارم نیز مراحل القای هیجانی بود. در ابتدا پیش از مراحل اصلی آزمون، آزمودنی‌ها می‌بایست به دو داستان آزمایشی، که برای آشنایی با روند داستان‌ها، چگونگی پاسخ‌گویی به آن‌ها و همچنین تنظیم صدا طراحی شده بود، پاسخ می‌دادند.

در هر کدام از مراحل اول، سوم و پنجم ۲ داستان (۱ داستان شخصی و ۱ داستان غیر شخصی)، که بر اساس مطالعه مقدماتی همسان انتخاب شده بودند، ارایه می‌شد.

در بخش القای هیجانی نیز از ۲۲ تصویر با بار خشونت اخلاقی یا بار هیجانی مثبت و ۱۴ تصویر خنثی یا بدون بار هیجانی استفاده شد. هر کدام از تصاویر به مدت ۵ ثانیه بر روی صفحه نمایش ظاهر می‌شد که ترتیب ارایه تصاویر نیز برای همه یکسان بود. تصاویر انتخاب شده در این پژوهش از بین مجموعه تصاویر سیستم بین‌المللی تصاویر عاطفی (IAPS: International Affective Picture system) و همچنین بر اساس یک مطالعه مقدماتی بر اساس نمره گذاری ۱۰ آزمودنی انجام گرفت.

قبل و بعد از القای هیجانی، آزمودنی‌ها به احساسی که در آن لحظه تجربه می‌کردند بر روی مقیاس ۷ درجه‌ای از کم به زیاد (۱ تا ۷) نمره می‌دادند.

در ادامه توالی مراحل مطرح شده به اختصار اشاره می‌شود. پس از انجام مرحله آزمایشی، مرحله اول قضاوت اخلاقی انجام می‌گرفت. این مرحله به عنوان بررسی پایه آزمودنی‌ها از قضاوت اخلاقی و همچنین مقایسه با مراحل القای هیجانی در نظر گرفته شده بود. سپس القای هیجانی خنثی به مدت ۷۰ ثانیه و به دنبال آن سنجش قضاوت اخلاقی در مرحله سوم اجرا می‌شد. در مرحله آخر نیز القای هیجانی منفی و به دنبال آن مرحله آخر قضاوت اخلاقی انجام می‌گرفت. مراحل بدون وقفه و به دنبال یکدیگر به اجرا در می‌آمد. مدت زمان اجرای کل آزمون ۳۰ دقیقه بود که برای افراد مختلف بسته به میزان سختی ادراک شده در داستان و بسته به مدت زمانی که برای فکر کردن صرف می‌کردند، تفاوت داشت. در نمودار ۱ دیاگرام مراحل انجام آزمون ارایه شده است.



نمودار ۱. مراحل انجام آزمون

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.2.7]
www.mui.ac.ir

سپس داده‌های جمع‌آوری شده به کمک روش‌های آمار توصیفی خلاصه شد و تحت نرم‌افزار $SPSS_{۱۵}$ با آزمون واریانس با اندازه‌گیری مکرر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

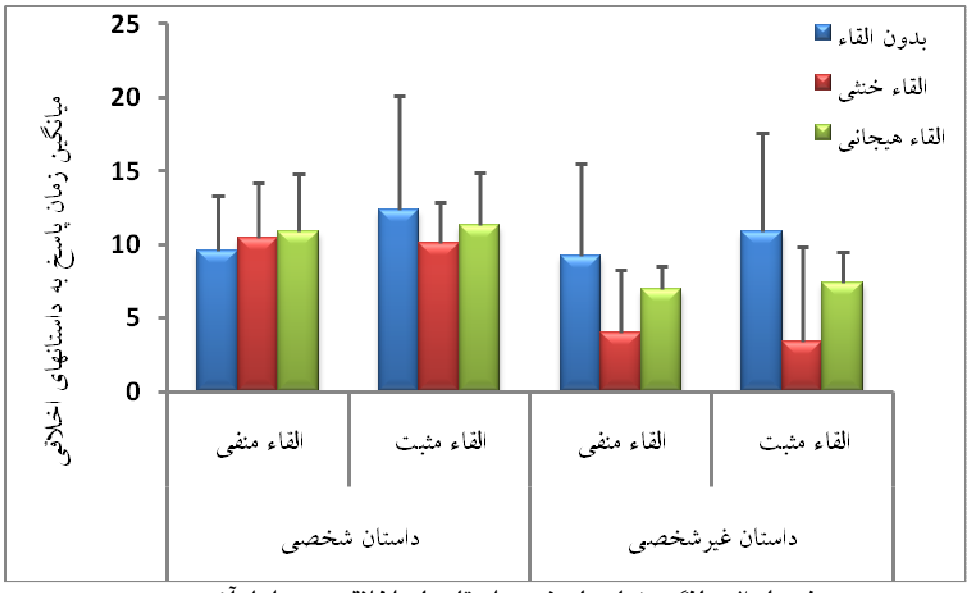
یافته‌ها

در این بخش، داده‌های به دست آمده در ارتباط با زمان پاسخ به قضاوت‌های اخلاقی ارایه می‌شود. جدول ۱ شاخص‌های توصیفی زمان واکنش به قضاوت اخلاقی شخصی و غیر شخصی را در سه مرحله آزمون پیش از القای هیجانی یا مرحله اول، القای خنثی و مرحله القای (مثبت یا منفی) در سه گروه نشان می‌دهد. در جدول ۲ نیز نتایج آزمون تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت زمان واکنش در مراحل آزمون ارایه می‌شود.

همچنین در نمودار ۲، میانگین زمان پاسخ آزمودنی‌ها به داستان‌های شخصی و غیر شخصی در سه مرحله آزمون در دو گروه با دریافت القای هیجانی مثبت و منفی به صورت تصویری ارایه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی قضاوت اخلاقی (شخصی و غیر شخصی) در دو گروه

		میانگین			انحراف معیار		
		مرحله پیش از القاء	مرحله القای خنثی	مرحله القای هیجانی	مرحله پیش از القاء	مرحله القای خنثی	مرحله القای هیجانی
داستان شخصی	گروه با دریافت القای منفی	۹/۵۹	۱۰/۴۴	۱۰/۸۸	۳/۷۷	۳/۷۳	۳/۹۳
	گروه با دریافت القای مثبت	۱۲/۳۷	۱۰/۰۷	۱۱/۳۰	۷/۷۷	۲/۷۹	۳/۵۷
داستان غیر شخصی	گروه با دریافت القای منفی	۹/۲۴	۴/۰۵	۷/۰۱	۶/۲۶	۹/۲۳	۱/۵۴
	گروه با دریافت القای مثبت	۱۰/۹۲	۳/۴۲	۷/۴۵	۶/۶۶	۶/۴۱	۲/۰۹



نمودار ۲. میانگین زمان پاسخ به داستان‌های اخلاقی در مراحل آزمون

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.2.7]
www.mui.ac.ir

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌های تکراری

منبع اثر		مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
گروه	زمان	۷۳۳/۱۷۹	۲	۳۶۶/۵۹	۱۱/۰۱	۰/۰۰۱
	داستان	۲۱۲۲/۲۳	۱	۲۱۲۲/۲۳	۵۷/۸۹	۰/۰۰۱
	تعامل داستان و زمان	۸۹۳/۹	۲	۴۴۶/۹۵	۱۳/۴۱	۰/۰۰۱

تفاوت میانگین‌ها نشان داد که زمان پاسخ به داستان شخصی نسبت به داستان غیر شخصی طولانی‌تر بوده است که این تفاوت معنی‌دار می‌باشد ($P < ۰/۰۰۱$). همچنین مقایسه مراحل آزمون نشان داد که زمان پاسخ به داستان‌های اخلاقی در مرحله سوم نسبت به مرحله اول کاهش و در مرحله پنجم (پس از القای هیجانی) دوباره افزایش داشته است که این تفاوت بین مراحل معنی‌دار است ($P = ۰/۰۰۱$). اما مقایسه بین دو گروه نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین دو گروه القای هیجانی مثبت و منفی از لحاظ زمان پاسخ به داستان‌ها وجود ندارد ($F(۱،۷۸) = ۰/۲۶۴$ ،$P = ۰/۶۰۹$).

با در نظر گرفتن میانگین‌ها می‌توان بیان نمود که در گروهی که القای منفی را دریافت کرده‌اند، زمان واکنش در مرحله پنجم نسبت به مرحله اول طولانی‌تر شده است که این اثر در گروهی که القای هیجانی مثبت را دریافت کرده‌اند، برعکس می‌باشد. به عبارت دیگر، گروهی که القای هیجانی مثبت را دریافت کرده‌اند در مرحله پنجم نسبت به مرحله اول، سریع‌تر به داستان‌ها پاسخ داده‌اند. همچنین نتایج نشان داد که بین میانگین زمان واکنش مرحله سوم و پنجم تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($P = ۰/۵۱۹$). شایان ذکر است که تفاوتی بین نتایج با در نظر گرفتن جنسیت مشاهده نشد ($F(۱،۷۸) = ۰/۲۱۷$ ،$P = ۰/۶۴۲$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه مقایسه زمان واکنش به داستان‌های اخلاقی شخصی و غیر شخصی پس از القای هیجانی مثبت و منفی بود. نتایج نشان داد که القای هیجانی منفی باعث افزایش زمان پاسخ به داستان‌های شخصی در مقایسه با مرحله القای خنثی می‌شود. این نتایج همسو با فرضیه مطرح شده و همخوان با مطالعه Valdesolo و DeSteno است (۱۲). Prinz معتقد بود که قضاوت‌های اخلاقی به وسیله گرایش‌های هیجانی ساخته می‌شوند و به همین دلیل به همراه قضاوت اخلاقی اتفاق می‌افتند، بر قضاوت اخلاقی تأثیرگذارند و برای قضاوت اخلاقی لازم و کافی هستند (۱۴). بر اساس این نظریه وقتی که ما یک احساس بی‌میلی یا عدم پذیرش نسبت به موضوعی داشته باشیم، آن عمل را اشتباه قضاوت می‌کنیم. همچنین Prinz معتقد بود که قضاوت‌های اخلاقی اغلب انگیزه دهنده هستند؛ چرا که هیجان‌ها نیروی انگیزشی دارند (۱۴). Greene و همکاران بیان می‌کنند که در داستان‌های شخصی، تعارض فرد برای تصمیم‌گیری نسبت به داستان‌های غیر شخصی افزایش می‌یابد (۱۵، ۱۰، ۱). این محققان با یافته‌های تصویر برداری نشان داده‌اند که نواحی شکنج سینگولیت در زمان پاسخ‌گویی به داستان‌های شخصی بیشتر فعال است. بنابراین بر اساس یافته‌ها می‌توان بیان داشت که داستان‌های شخصی و به طور کلی تصمیم‌هایی که جنس هیجانی دارند بیشتر از تصمیم‌هایی که جنس شناختی دارند تحت تأثیر عوامل محیطی و به خصوص هیجان‌ها قرار می‌گیرند که یافته‌های پژوهش حاضر نیز این ادعا را تأیید می‌کند.

به عبارت دیگر، دستکاری سیستم هیجانی افراد موجب تداخل در سرعت پردازش تصمیم‌های هیجانی می‌شود؛ اما این تداخل در ارتباط با تصمیم‌هایی که جنبه منطقی و شناختی در آن‌ها برجسته‌تر است، کمتر مشاهده می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد به آن چه فرد چه نوع تصمیمی بگیرد، بستگی دارد که نوع تصمیم (در این پژوهش تصمیم

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.2.7]
www.mui.ac.ir

اخلاقی، یا به عبارتی ارتکاب خشونت و وارد کردن آسیب به فرد دیگر است، به طور مستقیم یا با واسطه) وابسته یا مستقل از عوامل محیطی خواهد بود. عوامل مختلف محیطی نیز بر اساس مداخله در سیستم هیجانی یا شناختی، تغییراتی را در تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌ها بر جا خواهند گذاشت. بنابراین این پژوهش همخوان با یافته‌ها در پیشینه پژوهشی است که اذعان می‌دارند تأثیر هیجان بر قضاوت‌های اخلاقی به نوع هیجان مورد نظر وابسته است (۱۶، ۱۱). به نظر می‌رسد که نه تنها نوع هیجان القاء شده مهم است، بلکه نوع تصمیم مورد نظر نیز از عوامل محیطی به طور متفاوت تأثیر می‌پذیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که سیستم‌های مختلف مداخله کننده در قضاوت اخلاقی به یک اندازه از هیجان‌های محیطی تأثیر نمی‌گیرند. هیجان‌های مختلف بر سیستم‌های مداخله کننده در قضاوت اخلاقی به صورت انتخابی تأثیرگذار خواهند بود.

یافته‌های مطالعات Greene و همکاران نشان داد که سیستم‌های متفاوتی در مغز، قضاوت‌های اخلاقی را به راه می‌اندازد که یکی از این سیستم‌ها، فرایندهای تعمدی و سنجیده و دیگری پاسخ‌های هیجانی را بر عهده دارد. Greene و همکاران معتقدند که اگر پردازش‌های هیجانی بر تصمیم گیری اخلاقی تأثیر داشته باشند، در مواردی که پردازش هیجانی و تصمیمات فرد با هم ناهمخوان باشد، زمان پاسخ فرد نیز کندتر می‌شود (۱۰، ۱). به عنوان مثال در داستانی که فرد تصمیم می‌گیرد که فرد دیگر را از روی پل پرت کند، برای این که جان پنج نفر را نجات دهد زمان پاسخ می‌بایست کندتر باشد؛ چرا که در این موارد، پاسخ هیجانی فرایندهای اتوماتیک و غالب هستند که موجب کندتر شدن زمان پاسخ به داستان‌های شخصی می‌شوند (۱۱).

همچنین تفاوت به دست آمده بین مرحله سوم (القای خنثی) و پنجم (القای هیجانی) نیز بیانگر این نکته است که هیجان‌های خنثی نمی‌تواند تغییری را در سیستم هیجانی افراد ایجاد کند و نتایج با مرحله القای هیجانی متفاوت است. بنابراین به نظر می‌رسد که نوع هیجان القاء شده، توانسته است تغییری را در سیستم هیجانی افراد ایجاد کند و موجب کندتر شدن زمان پاسخ به داستان‌های اخلاقی و به عبارتی موجب افزایش تعارض شده است. از طرف دیگر، می‌توان بیان داشت که این یافته‌ها به روایی تصاویر خنثی و هیجانی اشاره دارد که مطابق با فرضیه مورد نظر مبنی بر عدم تأثیرگذاری تصاویر خنثی و تأثیر تصاویر هیجانی بر قضاوت‌های اخلاقی می‌باشد. در مقایسه با مرحله اول و سوم نیز می‌توان بیان داشت که زمان پاسخ در مرحله سوم کاهش داشته است و به عبارتی افراد سریع‌تر پاسخ داده‌اند؛ در مرحله پنجم نیز بار دیگر افزایش داشته که نشان دهنده این است که القای هیجانی (منفی) در مرحله پنجم موجب کندتر شدن زمان تصمیم گیری نسبت به مرحله سوم می‌شود.

در آخر به نظر می‌رسد که می‌توان از نتایج این پژوهش در زمینه‌های بهداشت روانی، روان‌شناسی جنایی، روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی صنعتی و سازمانی و به خصوص در ارتباط با عملکرد و نحوه تصمیم گیری‌های کارمندان در سازمان‌های ادرای بهره برد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، عدم امکان بررسی دقیق حالات هیجانی افراد در حین انجام مطالعه بود که می‌توان با ابزارهایی مانند بیوفیدبک در مطالعات بعدی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین بررسی‌های بیشتر بر روی گروه‌های گسترده‌تر از دیگر پیشنهادهای این پژوهش است.

سپاسگزاری

پژوهشگران از جناب آقای مهندس بنیادی به خاطر تهیه برنامه کامپیوتری نهایت سپاس را دارند.

References

1. Greene JD, Sommerville RB, Nystrom LE, Darley JM, Cohen JD. An fMRI investigation of emotional engagement in moral judgment. Science 2001; 293(5537): 2105-8.
2. Greene J, Haidt J. How (and where) does moral judgment work? Trends Cogn Sci 2002; 6(12): 517-23.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.2.7]
www.mui.ac.ir

3. Haidt J. The new synthesis in moral psychology. Science 2007; 316(5827): 998-1002.

4. Haidt J, Bjorklund F. Moral psychology; vol 2. The cognitive science of morality. Cambridge, MA: MIT Press; 2008. p. 181–217.

5. Moll J, Oliveira-Souza R, Eslinger PJ, Bramati IE, Mourao-Miranda J, Andreiuolo PA, et al. The neural correlates of moral sensitivity: a functional magnetic resonance imaging investigation of basic and moral emotions. J Neurosci 2002; 22(7): 2730-6.

6. Moll J, Oliveira-Souza R, Bramati IE, Grafman J. Functional networks in emotional moral and nonmoral social judgments. Neuroimage 2002; 16(3 Pt 1): 696-703.

7. Raine A, Yang Y. Neural foundations to moral reasoning and antisocial behavior. Soc Cogn Affect Neurosci 2006; 1(3): 203-13.

8. Robertson D, Snarey J, Ousley O, Harenski K, DuBois BF, Gilkey R, et al. The neural processing of moral sensitivity to issues of justice and care. Neuropsychologia 2007; 45(4): 755-66.

9. Takahashi H, Yahata N, Koeda M, Matsuda T, Asai K, Okubo Y. Brain activation associated with evaluative processes of guilt and embarrassment: an fMRI study. Neuroimage 2004; 23(3): 967-74.

10. Greene JD, Nystrom LE, Engell AD, Darley JM, Cohen JD .The neural bases of cognitive conflict and control in moral judgment. Neuron 2004; 44(2): 389-400.

11. Clore GL, Huntsinger JR. How emotions inform judgment and regulate thought. Trends Cogn Sci 2007; 11(9): 393-9.

12. Valdesolo P, DeSteno D .Manipulations of emotional context shape moral judgment. Psychol Sci 2006; 17(6): 476-7.

13. Koenigs M, Young L, Adolphs R, Tranel D, Cushman F, Hauser M, et al. Damage to the prefrontal cortex increases utilitarian moral judgements. Nature 2007; 446(7183): 908-11.

14. Prinz J. The emotional basis of moral judgments. Philosophical Explorations 2006; 9(1): 29-43.

15. Greene JD, Morelli SA, Lowenberg K, Nystrom LE, Cohen JD. Cognitive load selectively interferes with utilitarian moral judgment. Cognition 2008; 107(3): 1144-54.

16. Huebner B, Dwyer S, Hauser M. The role of emotion in moral psychology. Trends Cogn Sci 2009; 13(1): 1-6.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.2.7]

www.mui.ac.ir

Effect of Emotion Manipulation on Reaction Times in Personal and Impersonal Moral Judgments

Ziaei M[1], Khodapanahi MK[2], Heidari M[3], Keshvari F[4]

Abstract

Background and Aim: Moral psychology studies investigate cognitive and emotional systems involved in moral judgments. This research also examines the effect of emotion manipulation on reaction times to moral dilemmas.

Method and Materials: This was a causal relational study executed on eighty five randomly selected 18-25 year old students from Shahid Beheshti University. To investigate moral judgment, 2 personal and impersonal moral dilemmas were administered and for emotion manipulation, 3 groups of neutral, positive and negative valence pictures were applied. This research was performed in 3 stages to evaluate moral judgment and 2 stages for emotion manipulation. To examine the results, ANOVA was done.

Findings: The results showed significant differences in reaction times to personal moral dilemmas between the first and the third stages as well as between the first and the fifth ones. However, such differences were not significant for impersonal dilemmas. In addition, results revealed out that negative emotion induction, increases the reaction times toward moral dilemmas.

Conclusion: It seems that the effect of environmental factors on decision making especially moral decision making is related to the kind of emotion inducted and also kinds of cognitive or emotional decisions.

Keywords: Personal Moral Dilemmas, Impersonal Moral Dilemmas, Emotion Induction, Utilitarian responses

Type of article: Research

Received: 18.03.2009 *Accepted: 11.07.2009*

1- MSc of Psychology, School of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
E-mail: maryamziae@gmail.com
2- Associated Professor of Psychology, School of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
3- Educator in Psychology, School of Educational and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
4- BA in Psychology, School of Educational School of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.2.7]
www.mui.ac.ir